

دیوید مامت به عنوان یکی از نمایشنامه‌نویسان مهم آمریکایی و خالق آثاری کمیاب و جسورانه، حال و هوای آثار هاسارولدینتر^۱ و شرایط سخت زندگی‌اش در شیکاگو را بازسازی می‌کند. آثار وی به دلیل وجود شخصیت‌های قوی، با غرور مردانگی ویژه، شهرتی خاص دارد. توانایی مامت در خلق شخصیت‌های مقتدر و آفریدن شرایطی با حکم‌فرمایی مرد سالارانه، هنوز واکنش‌هایی بسیار متفاوت را در سطحی وسیع باعث می‌شود؛ و همین ویژگی است که به آثار وی قابلیت نقد و بحث می‌بخشد.

اواخر دهه هفتاد میلادی سرآغاز دستیابی مامت به موفقیت در صحنه تئاتر است. از نمایشنامه‌های این سال‌ها می‌توان از انحراف در شیکاگو^۲ و سوفالوی آمریکایی^۳ نام برد که هر دو نمایشنامه در فاصله یک سال برندهٔ جایزهٔ ادبی شدند. در نمایشنامهٔ انحراف در شیکاگو مامت با ارائه روابط پر تنش میان چهار شخصیت اصلی فیلم که دو زن و دو مرد هستند: سر منشایی برای مناسبات فمینیسم آمریکایی با جامعهٔ مردسالار آمریکا ارائه می‌دهد. در این نمایشنامه شخصیت زن بدون اعتقاد به ازدواج و روابط بین زن و شوهر، فکر می‌کند که زندگی مشترک واقعاً یک اشتباه بزرگ است.

مامت در نمایشنامه‌ای که سال بعد از آن می‌نویسد - سوفالوی آمریکایی - باز هم روابط غیرعقلانه و پر از خصومت سه شخصیت را به نمایش در می‌آورد. شخصیت‌های موجود در سوفالوی آمریکایی، بالفطره دزد نیستند، اما با تحریک یکدیگر، دست به دزدی مجموعهٔ بارزش یکی از مشتریان خود می‌زنند. اما مشکلاتی که به علت عدم تفاهم با یکدیگر بر سر راهشان پیدا می‌شود، باعث بروز اختلاف میان سه دوست شده و دست آخر هر کدام بدون توفیق در نیت سوهشان از یکدیگر جدا می‌شوند.

مامت در سال ۱۹۸۲ نمایشنامه‌ای را با عنوان «گلن‌گری، گلن‌راس»، می‌نویسد که جایزهٔ پولیتزر را برای او به ارمغان می‌آورد. مامت در این نمایشنامه سعی دارد نوعی داوری را از یک دورهٔ خاص جامعهٔ آمریکایی یعنی همان زمانی که نمایشنامه در آن نوشته شده، ارائه دهد؛ یعنی زمان ریاست جمهوری ریگان که دولت، مبلغ سرمایه‌داری افراطی بود و از حذف و زیر پا گذاشتن تمام دستاوردهای جامعه مدنی، در راه تحقق این امر فروگذار نبود.

در همان سال مامت نمایشنامه ادموند را می‌نویسد. ادموند داستان زندگی جوانی در میان عده‌ای جنایتکار است، مرد جوان ناآگاهانه در دام تبهکاران نیویورک می‌افتد و تأثیر محیط آلوده از او یک آدم روانی می‌سازد، او کم‌کم به شکل همان جنایتکاران در می‌آید و پس از قتل یک زن به زندان می‌افتد.

مامت با نمایشنامه‌های اولیه خود، سبکی را به وجود می‌آورد که مملو از گفت‌وگوهای عامیانه است،

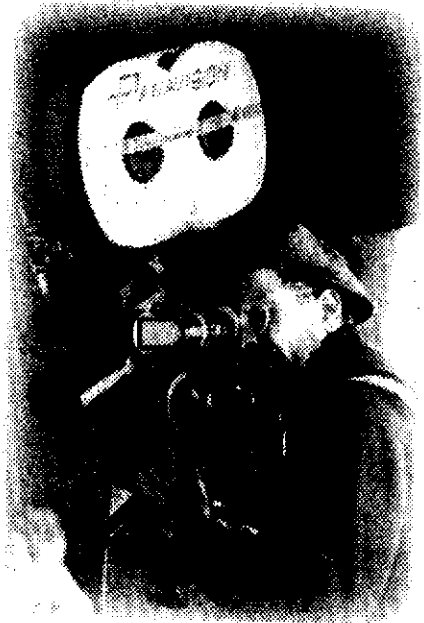
او در لابه‌لای دیالوگ‌های غیرمعمول، به روان‌کاوی عمیق شخصیت‌های نمایشنامه‌هایش می‌پردازد. روان‌شناسی شخصیت‌ها به این نحو در اثر دیگر مامت به نام زندگی در تماشخانه به اوج خود می‌رسد. زندگی در تماشخانه نمایانگر ارتباط بین یک بازیگر جوان با یک بازیگر پیر است. مامت پس از تنظیم اولین فیلم‌نامه‌اش پسچی همیشه دو بار زنگ می‌زند (۱۹۸۲) که بر اساس رمان جیمز کین^۴ و به کارگردانی نیاب رافلسون^۵ بود، نخستین کار خود را در صحنهٔ سینما ارائه کرد و سپس سه سناریو بسیار باریک‌بینانه و دقیق را به تصویر کشاند.

رای دادگسار با بازی پل نیومن ماجرای وکیل شکست‌خورده‌ای از ایالت بوستون است که ناگهان با قبول یک پرونده ادعای خسارت، که در اثر یک سهل‌انگاری پزشکی رخ داده، موفقیت شغلی خود را بازیابی می‌کند. مامت در تنظیم دیالوگ‌های فیلم‌نامه از شیوه‌ای استفاده کرده که سیدنی لومت (کارگردان فیلم) به شویابی و رسایی کامل از آن بهره جسته است. فیلم پر از روزه‌هایی برای گریز به تجربیات احساسی است. نقش آفرینی بسروس ویلیس به عنوان یکی از حضار در محکمه نشانگر این احساسات است. فیلم‌نامه اقتباسی است از رمانی نوشته بوری ریڈ^۶.

دربارهٔ آخرین شب را می‌توان از آثار ناموفق مامت معرفی کرد. این اثر اقتباسی از نمایشنامهٔ انحراف در شیکاگو بود. موضوع این فیلم ماجرای زوج جوانی است که انزو و تنهایی را بر زندگی زناشویی ترجیح می‌دهند. دیگر اثر معرف مامت، فیلم‌نامه تخریب‌ناپذیران (۱۹۸۷) نام داشت که فیلمی بسیار موفق به کارگردانی برایان دنی‌بالما از روی آن تهیه شد و نسبت به سریال تلویزیونی فراموش نشدنی آن شرایط جدیدتری پیدا کرده بود.

مامت کارگردانی در سینما را با فیلم قمارخانه (۱۹۸۷) آغاز کرد و چنان‌که خودش نیز نوشت: اندیشه‌های حيله‌گرانه‌ای که ابتدا با جلب اطمینان همراه است باعث مطرح شدن شخصیت‌های فیلم شد. فیلم قمارخانه دربارهٔ ارتباطات پیچیدهٔ کلاهبرداران است.

زن روان‌شناسی با خلق و خوی عصبی و نگران گرفتار افرادی می‌شود که خود را کاملاً قابل اطمینان و صمیمی نشان می‌هند. داستان این فیلم در قالب هیچکاک‌کی نوشته شده است. یکی از بیماران زن قماربازی است که به علت طلبکاری، قصد قتل دارد. شب هنگام که لیسنسسی کروز^۷ (ایفاگر نقش روان‌شناس) به تنهایی در خیابان‌هایی که تابلوی نیون قمارخانه‌ها در آن نمایان است راه می‌رود، به رستورانی برمی‌خورد، مکانی که به گمان او می‌تواند در آن فردی را که بیمارش را تهدید به مرگ کرده است پیدا کند. او می‌خواهد ضمن دور ماندن از تعرض آن مرد، با او وارد



گردآوری و ترجمهٔ بابک قاسمی نژاد کیوان سامانی راد

مامت:
این خیال واهی
آمریکایی است
که
شکست
خورده است

- David Mamet (1947) دیوید مامت (۱۹۴۷)
 Filmography فیلم‌نگاری
 *پستچی همیشه دوبار زنگ می‌زند، فیلم‌نامه
 1981 The Postman always rings twice
 *رای دادگاه، فیلم‌نامه نویسنده
 1982 The verdict
 *درباره آخرین شب، براساس نمایشنامه انحراف در
 شیکاگو
 1986 About last night
 *پنجره سیاه، بازیگر
 1986 Black windows
 *قمارخانه‌ها، کارگردان، نویسنده
 1987 House of games
 *تسخیرناپذیران، فیلم‌نامه‌نویس
 1987 The untouchables
 *همه چیز تغییر می‌کند، کارگردان، فیلم‌نامه نویسنده
 1988 Things change
 *ما فرشته نیستیم، فیلم‌نامه‌نویس
 1989 We're no angles
 *قتل، فیلم‌نامه نویسنده
 1991 Homicide
 *گلن‌گری، گلن راس، بر اساس نمایشنامه مامت
 1992 Glengarry glen ross
 *هافا، فیلم‌نامه نویسنده، تهیه‌کننده
 1992 Hoffa
 *موتور آبی، بازیگر
 1992 The water engine
 *زندگی در تماشاخانه‌ها، نویسنده
 1993 Life in the theater
 *اولینا، نویسنده
 1994 Oleanna
 *وانیا در خیابان ۴۲، اقتباس
 1994 Vanya on 42 street
 *پسر خانواده وین اسلو، فیلم‌نامه نویسنده، کارگردان
 1999 The winslow boy
 پانوش‌ها
 1. Harold Pinter
 2. Sexual Perversity in Chicago
 3. American Buffalo
 4. James cain
 5. Bob Rafelson
 6. Barry Reed
 7. Lindsay Crouse
 8. Joe Mantegna
 9. Seattle
 10. Cryptogram
 11. Winslow boy

مساممت به عنوان فیلم‌سازی پرکار و توانا فیلم غیرمعمول و کمدی همه چیز تغییر می‌کند را کارگردانی کرد. تنظیم فیلم‌نامه نیز برعهده خودش بود. وی همچنین فیلم متفاوت دیگری را به نام قتل که کار جنایی، پلیسی جذابی بود کارگردانی کرد. در هر دو این فیلم‌ها جسوماتنگ‌ها به عنوان بازیگر نقش داشت. در سال ۱۹۹۲ از روی نمایشنامه گل‌گری گلن راس فیلمی با همین نام توسط جیمز فسالی کارگردانی شد که آل پاچینو و جک لمون بازیگر آن بودند. در همان سال‌ها لویی مال فیلم وانیا در خیابان ۴۲ را ساخت که بر اساس اثری از چخوف به نام دایمی وانیا بود. این اثر را مامت ترجمه کرده بود. این فیلم همکاری گروه سازنده فیلم شام من با آندری را به همراه داشت. آندری گریگوری و والاس شاون از اعضای گروهی بودند که نمایشنامه را در قالب فیلم اجرا کردند.

در سال ۱۹۹۲ مامت فیلم‌نامه‌ها را می‌نویسد که این فیلم به کارگردانی دنس دوویستو و بازیگری جک نیکلسون ساخته می‌شود و با این که مورد استقبال عمومی قرار نگرفت، نامزد اسکار بهترین فیلم و بهترین کارگردانی شد. فیلم‌نامه طلوع خورشید بر اساس رمانی از مایکل کرایتون کار بعدی او بود که توسط فیلیپ کافمن کارگردانی شد.

در سال ۱۹۹۲ مامت نمایشنامه اولستان را به روی صحنه می‌برد. مضمون این نمایشنامه درباره استاد دانشگاهی است که به آزار و اذیت جنسی یکی از دانشجویان دختر خود متهم شده است. اولستان از نظر تکنیکی صراحتی فوق‌العاده دارد. این نمایشنامه بی‌شک در میان بقیه کارهای مساممت به بیشترین نقد و بحث منجر شده.

مساممت در سال ۱۹۹۴ نمایشنامه‌ای را با عنوان نوشته رمز^{۱۱} می‌نویسد. نمایشنامه، پسر ده ساله‌ای را نشان می‌دهد که حس می‌کند بزرگترها همواره به صورت رمز یا هم صحبت می‌کنند و در میان این رمزها با هم ارتباط برقرار می‌کنند. این نمایشنامه را می‌توان به نوعی شخصی‌ترین کار مساممت در عرصه تئاتر به حساب آورد.

آخرین فیلم مساممت در مقام کارگردانی در سال جاری میلادی ساخته شد. نام این فیلم پسر خانواده وین اسلو^{۱۱} است.

چارچوب اصلی کارهای مامت حقیر شدن انسان امریکایی در جامعه سرمایه‌داری است. تمام شخصیت‌های مامت به نوعی بر اثر فشارهای مادی و روحی در این جامعه دست به کارهای غیرارادی می‌زنند. اما با وجود این، دست و پا زدن‌های آن‌ها بیهوده به نظر می‌آید. تلخی پنهان در لابه‌لای آثار مامت گویای این مورد است و به گفته مامت:

«این خیال‌واهی آمریکایی است که شکست خورده است.»



صحبت شود، مرد قمارباز، که نقش او را مساتنگ‌نا^{۱۲} (از همکاران تئاتری مامت) ایفا می‌کند با پیشنهادی مبنی بر همکاری، زن را فریب می‌دهد. بدین ترتیب شرایط و کارهای مخفیانه قماربازان آن زن را به سوی خود جلب می‌کند، در خاتمه زن به دلیل داشتن زمینه‌های روحی برای همیشه به جرگه قماربازان می‌پیوندد. این فیلم به عنوان اولین فیلم مامت در نقش کارگردان، کاری پرهزینه محسوب می‌شود. قمارخانه برانگیختگی و بیداری را در مخاطبان به همراه دارد. اگر چه این گونه فیلم‌ها مخاطبان‌شان را به مانند خوابگردها به مسیر پیچاپیچ عادات و عقاید فراموش شده می‌کشاند. اما فیلم قمارخانه احساس رضایتی دایمی را به بیننده القا می‌کند.

مامت در خلق شخصیت‌های گرفتار در نیازها و تمایلاتشان، موفق عمل می‌کند. با این که کمتر فیلم‌نامه‌نویسانی بوده‌اند که بتوانند فیلمی را به خوبی کارگردانی کنند، اما این بار در فیلم قمارخانه هیچ قدم نادرستی از ابتدا تا انتهای فیلم برداشته نشده است. مامت زمانی که فیلم‌برداری این فیلم را در خیابان‌های بارانی سیتل^{۱۳} آغاز کرد، خود زمام کار را به عهده گرفت، به طوری که نقش اول فیلم را همسرش ایفا کرد و دیگر دوستان تئاتری او عهده‌دار دیگر نقش‌ها شدند.

نه، کاملاً برعکس. دلیل این که من بیرون از خانه و در پارک می‌نویسم این است که امید دارم کسی مرا متوقف کند!

Darcy lockman, Sidewalk 5/28/99

نگاهی به فیلم The Winslow Boy

کارگردان: دیوید مامت

نویسنده: دیوید مامت بر اساس نمایشنامه‌ای از ترنس راتینگان

محصول: آمریکا ۱۹۹۹

مدت نمایش: یک ساعت و پنجاه دقیقه

بازیگران: نایگل هائورن، جرمی نورتن، ربکا پیچن، گای ادوارد

قالب موضوعی: تنش‌های داستان از آن جایی شروع می‌شود که پسر یکی از بانکداران موفق، در سال ۱۹۱۲ میلادی در شهر لندن به دزدی متهم می‌شود.

سابقه کارگردان: دیوید مامت به عنوان نویسنده و کارگردانی موفق افکار بینندگان فیلم‌هایش را با فیلم‌هایی چون، زندانی اسپانیایی، wag the dog، و فیلم گن گری گن راس که برنده جایزه منتقدان نیز شده،



کنید؟

○ این فرآیندی است که من واقعاً شیفته آن هستم. من سعی دارم برای خودم روشن کنم که چرا روان من به این مسیر کشیده می‌شود. درباره همه موارد هم این طور هستم. شما با خود می‌گویید: من دیشب برای خوردن غذای چینی بیرون رفتم. چرا غذای چینی؟ چرا سراغ غذای ایتالیایی نرفتید؟ یا همبرگر؟ این برای همه موارد صادق است. شما شیفته چیزی می‌شوید ولی نمی‌دانید چرا.

□ به نظر شما ناخوشایندترین مسأله در کارگردانی فیلم چیست؟

○ این هم مثل این است که بگویید: شما در اردوی خود چه مشکلی دارید؟ شما از مورچه تنفر دارید؟ خوب در پیک‌نیک همیشه مورچه وجود دارد. اگر شما مورچه‌ها را دوست ندارید، به اردو نمی‌روید!

□ گفت‌وگوهایی که شما برای کارهایتان می‌نویسید همیشه ممتاز و مشخصه. آیا روی وزن آن‌ها با بازیگران کار می‌کنید؟

○ خیر. وزن بیش از این در خود زبان موجود است. مثل این می‌ماند که وقتی بخواهید شکسپیر را کارگردانی کنید، از شما بپرسند: آیا روی شعر کار کردن سخت است؟ به طور مسلم خیر. شما که نباید روی آن کار کنید، او شعر را نوشته بنابراین شما فقط باید آن را بیان کنید.

□ شما خودتان تا به حال بازی کرده‌اید؟

○ من هم مثل بیشتر مردم علاقه‌مند، از بازی تئاتر شروع کرده‌ام. اما من در این مورد زیاد خوب و موفق نبودم. اما سریعاً کار دیگری در زمینه تئاتر پیدا کردم تا مجبور نباشم خانه‌نشین شوم!

□ در حال حاضر مشغول چه کاری هستید؟

○ در حال آماده‌سازی نمایشنامه‌ای هستم به نام ازدواج بوسنی که درباره روابط دو زن است. و اخیراً هم فیلم‌نامه‌ای در دست تهیه دارم که اقتباسی است از دکتر جکیل و مستر هاید که قرار است سال آینده با بازی آل پاچینو تهیه شود.

□ شما اغلب با همسرتان (ربکا پیچون) کار می‌کنید. چرا به این مورد علاقه دارید؟

○ خوب مردم همیشه دوست دارند با کسانی کار کنند که به آن‌ها علاقه دارند. در تئاتر همه مثل اعضای یک خانواده هستند، بنابراین من با همسر راه می‌روم، غذا می‌خورم و صحبت می‌کنم. چه در زندگی چه در عرصه تئاتر. بزرگترین نکته درباره ساخت فیلم‌هایم این است که با افرادی کار می‌کنم که به آن‌ها علاقه‌مندم.

□ شما در کجا می‌نویسید؟

○ هر روز از خانه بیرون می‌روم و دفترچه یادداشت‌ها را همراه می‌برم.

□ بنابراین اگر شما را در پارک ببینیم باید کنار بایستیم و فقط تماشا کنیم؟

گفت‌وگوی دیوید مامت با نشریه Side Walk امیدوارم کسی مرا متوقف کند

دیوید مامت

در آخرین گفت‌وگویی که

امسال داشته

به چند سؤال نشریه Side walk

پاسخ گفته و

گوشه‌هایی از شخصیت حرفه‌ای خود را

بازگو کرده است

این گفت‌وگو در اواخر ماه می

انجام شده است.

□ آقای مامت شما کار نمایشنامه را به طور جدی کی و کجا شروع کردید؟

○ من از بیست‌سالگی یعنی اواخر سال ۱۹۷۳ گروه تئاتری سینت نیکولاس (Siant Nicholas) را با عده‌ای از دوستانم تشکیل دادم و سال بعد از آن نمایشنامه اشرف جنسی در شیکاگو را نوشتم که به عنوان اولین نمایشنامه‌ام در زمان خود جایزه ادبی برد.

□ با توجه به نمایشنامه‌نویسان هم‌زمان خودتان مثل آلبی و سام شپارد، چرا شما سبک خاصی در نمایشنامه‌هایتان پیاده کردید؟ یعنی همان سبک معروف به «مامتی».

○ من سعی داشتم مرز گفت‌وگوی تئوریک را که در درام وجود دارد بشکنم، یعنی به جای این‌که از مکالمات فشرده و اغراق‌آمیز استفاده کنم، گفت‌وگوی محاوره‌ای و عامیانه را جایگزین آن کردم. می‌خواستم به این طریق تأکید بیشتری بر روی روابط شخصیت‌ها داشته باشم. حس می‌کنم به این طریق روان‌شناسی بهتری از آن‌ها ارائه می‌شود.

□ مثل «بوفالوی آمریکایی»؟

○ هم بوفالوی آمریکایی و هم آدموند. در آدموند سعی من بیشتر در این بوده که دخالت عوامل غیرارادی، یعنی آن چیزهایی را که در سرنوشتان بدون دخالت ما، دخیل هستند سررشته اصلی این درام قرار دهم و فکر می‌کنم در زمان خود توانستم از عهد‌هاش برآیم.

□ آقای مامت، با توجه به کارهای شما در زمینه تئاتر و سینما، چرا تصمیم گرفتید کار متفاوت «پسر خانواده Winslow» را اقتباس سینمایی

به سوی خود جلب کرده است.

ترجمه میراندا معاونی

طنز تلخ

وودی آلن

از

شهرت زودگذر



شاید باور این موضوع که مامت فیلمی کاملاً عاری از واژه‌های ممنوعه (F. word) کارگردانی و آماده کرده است، امری شگفت‌انگیز باشد، اما باید گفت که این موضوع در فیلم اخیرش کاملاً صادق است. واقعیت موضوع این است که فیلم‌نامه مامت بر اساس نمایشنامه معروف ترنس رتیگان^۱ نمایشنامه‌نویس انگلیسی بنا شده است. داستان واقعی این فیلم درباره جوان ۱۳ ساله‌ای است که در دانشکده افسری نیروی دریایی تحصیل می‌کند، و در جریان فیلم به دزدیدن ۵ شیلینگ پول پستی^۲ متهم می‌شود. مامت سعی دارد تا در این داستان به ظاهر ساده تنش‌های دائمی و نوعی از احساسات جدید و شگفت‌انگیز را القا کند که نقش تمامی شخصیت‌های آن در سطح بالایی باشد که وظیفه سختی را بر دوش کارگردان می‌گذارد.

نایگل هائورن^۳ (که به خاطر نامزدی اسکار فیلم دیوانگی پادشاه جرج مشهور شده) مناسب و همسان با شخصیت آرتور وین اسلو است. شخصی که به عنوان یک بانکدار محترم و قابل اطمینان شرایط ایده‌آل خودش را برای رفع اتهام پسرش به مخاطره می‌اندازد. ربکا پیچن همسر واقعی مامت، در این فیلم به عنوان دختر خانواده وین اسلو که طرفدار حقوق زنان نیز هست، به طرز بارزی نقش آفرینی می‌کند. جسر می نورتمن در نقش رابرت مور تون به عنوان وکیلی از شهر لندن که شخصیتی متفاوت با دیگران دارد. او در تمامی شرایط به دنبال پرونده متهم جوان در پارلمان انگلستان است. شاید فیلم پسر خانواده وین اسلو از نظر تکنیک فیلم‌سازی یکی از بزرگترین کارهای مامت باشد. به‌ویژه این که فیلم در نورپردازی دارای تکنیک بالایی با نماهای ملایم است. بیان تمامی دیالوگ‌ها، فیلم‌برداری، تدوین، لباس بازیگران و میزانشن این فیلم به صورت معمول نیست و در بین تماشاگران جوان جذابیت خاصی یافته است. مامت در این فیلم سؤال‌نیشدار و کنایه‌آمیزی مطرح کرده که منعکس‌کننده رسوایی کلینتون و مونیکالوینسکی است. البته روند ماجرا به شکلی نیست که عمد کارگردان را در القای این موضوع نشان دهد. سوالی که در این فیلم مطرح است این است که آیا حقایق همواره بارز و مؤثر هستند؟ مامت در تهیه این فیلم به عنوان یک اثر خوب سینمایی که از روی نمایشنامه ۱۹۴۶ راتیگان اقتباس شده، چهار پرده نمایشنامه را به سه بخش تقلیل داده و کاری در خور تقدیر ارائه کرده است.

Sild walk, May , 10, 1999

پانویس:

1. Terence Rattigan

۲. برگه‌هایی که دارای ارزش پولی هستند و از دفتر پست خریداری می‌شوند.

3. Naiger He toon

این فیلم بهانه گفت‌وگویی با وودی آلن است که می‌خوانیم.

□ آقای آلن به نظر می‌رسد جدیدترین فیلم شما با نام **Celebrity**، غمگین‌ترین و ناامیدانه‌ترین فیلمی است که تاکنون با کارگردانی شما، اکران شده است.

□ از دید شما، شاید. اما من به هیچ‌وجه به خودم و به فیلم‌هایم نگاه بدبینانه ندارم. مطبوعات هالیوود و مردم آمریکا احساساتی کاملاً غیرواقعی از خود و محیط اطرافشان دارند. از نگاه آن‌ها حتی زیگموند فروید نیز فردی کاملاً بدبین است. به نظر من انسان باید واقع‌گرا باشد.

□ کینت برانا (Keneth Branagh) شخصیت اصلی فیلم شما، معتقد است داستان فیلم **حزن‌انگیزترین فیلم‌نامه‌ای است که تا به حال خوانده است.**

□ این فیلم غمگین‌تر از بقیه نیست. البته حقیقت تلخ است. ما به‌طور دائم به داستان‌هایی درباره خود و زندگی‌مان دست پیدا می‌کنیم که از طریق آن به حقیقت وجودی‌مان می‌رسیم ولی، که برنا ایفاگر نقش اوست، دارای شخصیت ویژه و خاصی نیست.

□ یک روزنامه‌نگار اخراجی که با ترک همسرش،

لی سیمون خبرنگار بی‌دست و پایی است که همیشه با نآرامی و در گیرودار تهیه گزارش و تنظیم قرار ملاقات‌هایش، مرتب از این شاخه به آن شاخه می‌پرد. کارهای او همانند شهرت، فانی و زودگذر است، اما به دنبال همین شهرت است. نگاه او همانند کودکی است که دنیا را هنوز درک نکرده است.

سیمون با همه ترس‌های زندگی‌اش و موفقیت‌ها و نیازش به داشتن عشقی مطمئن، بیانگر شخصیت انسانی خودخواه است که وودی آلن، کارگردان و بازیگر سینما آن را در فیلم به تصویر کشیده است. با وجودی که وودی آلن کارگردان این بار در فیلمش به ایفای نقش نمی‌پردازد، اما خالق مسیری انتقادی است که با آن قادر به پیش‌بردن موضوع داستانش می‌شود. در کنار ریتم هیجان‌فزاينده این فیلم از شوخی‌ها و طنزهای گزنده آن نیز نباید غافل ماند.

Celebrity آخرین ساخته وودی آلن است که در آن دلیستگی‌های مردم به شهرت زودگذر به نقد کشیده می‌شود. داستان از نوعی توازن در فراز و فرودی که زیربنای فیلم را تشکیل می‌دهد، بهره‌مند است. **Celebrity** نشانگر و منعکس‌کننده شهرت‌هایی زودگذر است که با فریبندگی‌هایشان نه تنها ستارگان، بلکه مردم عادی را نیز به دنبال خود می‌کشاند. نمایش